

یادداشت

کوجه بن بست تولید!

احمد فرهادی
کارشناس اقتصادی

● این روزها سریال «سایه‌بان» از شبکه دوم سیما روی آنتن پخش قرار گرفته است. اگرچه داستان این سریال با خط محوری جوانمردی و همدلی جوانان شکل گرفته، اما در بطن آن، حکایت غم‌انگیز تولیدکنندگان به‌ویژه تولیدکنندگان کارگاه‌های کوچک که با هزاران مشکل مواجه هستند، به‌خوبی روایت شده است. در ۱۵ دقیقه پانانی پانزدهمین قسمت این سریال کارگردان به‌خوبی توانسته مشکلات صاحبان کارگاه‌های تولیدی را به تصویر بکشد. آقای صباحی مالک کارگاه تولیدی مبلمان است که بنا بر دلایلی با مشکل نقدینگی مواجه شده است. این مسئله به‌گونه‌ای بر مدیریت این کارگاه تولیدی چهره زده که او تصمیم می‌گیرد پس از سال‌ها اشتغال به کار تولید، کارگاه را واگذار کند. سهراب یکی از کارکنان این کارگاه وقتی به نیت آقای صباحی پی می‌برد، از سایر همکارانش دعوت می‌کند که به سر کارشان برگردند. در این هنگام گفت‌وگویی بین سهراب و آقای صباحی شکل می‌گیرد که این گفت‌وگو با بازی خوب آقای علی اوسینود (آقای صباحی) به یکی از بهترین صحنه‌ها برای نشان‌دادن «مسئله تولید» در ایران تبدیل شده است. وقتی سهراب می‌پرسد که چرا تصمیم به تعطیلی و واگذاری کارگاه گرفته، آقای صباحی می‌گوید: «برای اینکه دیگه نمی‌خوام کار تولید کنم، کلی کار مروج شده، باید به بدهکارها پول بدم، باید تو بازار برای پیداکردن مشتری کدایی کنم». سهراب برای اینکه مشکل را حل کند پیشنهاد می‌دهد که شیوه کارشان را عوض کنند و به‌جای تولید کالای باکیفیت و با ضمانت، کالای ارزان تولید کنند تا بتوانند کالای خود را راحت‌تر در بازار بفروش برسانند. اگر فرض کنیم با این پیشنهاد مشکل کارگاه حل شود، پای موضوع مهمی به نام اخلاق تولید به میان می‌آید. آیا تولیدکننده با وجدان اخلاقی می‌تواند برای نجات کارگاه خود، از کیفیت کارش بزند؟ شاید پاسخ به این سؤال برای بسیاری راحت باشد و بگویند اولویت نخست این است که باید کارگاه را فقط کرد. اما آقای صباحی که استخوان خرده‌کردن این کار است و در این روزگار وانفسا هنوز وجدان اخلاقی‌اش بیدار است، می‌گوید: «من کار بی‌کیفیت تولید نمی‌کنم. این گرونی! نمیشه هم کار ارزون تولید کرد هم کار باکیفیت! من اگه می‌خواستم از این راه نون بخورم، حال و روزم خیلی بهتر از الان بود». سهراب اصرار می‌کند که نباید الان کنار بکشی و آقای صباحی می‌گوید: «من کنار نکشیدم بی‌ورونی و بی‌وجدانی بازار من رو کنار گذاشت. از چند طرف خوردم بالا رفتن دلار، تحریم و هزاران داستان دیگه، چهارساله که می‌خوام دو تا دستگاه بخرم نمی‌تونم. من یک سر سوزن امید ندارم. سهراب میگه زود خسته شدی». آقای صباحی فریاد می‌زند: «خسته نشدم چسبیدم به دیوار بن بست. برم چیکار کنم پول نزول کنم؟».

این گفت‌وگو از چند بعد می‌تواند مهم تلقی شود؛ نکته اول موضوع اخلاق است. من از خودم می‌پرسم در فضای اقتصاد و تولید ایران چند تولیدگر مثل آقای صباحی داریم که حاضر باشد کارگاه خودش را از دست بدهد اما از خط قرمز اخلاقی عدول نکند؟ به نظر تمام برنده‌هایی که در جهان پیرقابلیت توانستند نام خود را حفظ کنند، فقط یک مؤلفه مهم داشته‌اند و آن اینکه به خاطر منافع کوتاه‌مدت از کیفیت خود کوتاه نیامده‌اند. واقعیت این است که اقتصاد ایران زمانی می‌تواند به ویژگی مقاومتی برسد که افرادی امثال صباحی این داستان که اخلاق را خط قرمز خود فرض کرده‌اند، بتوانند مجال فعالیت پیدا کنند.

نکته بعدی موضوع قانون است، باید دید که به‌طورکلی قوانین محیط کسب و کار ایران برای انجام یک فعالیت تولیدی سهل و آسان است؟ به نظر می‌رسد بخش‌های تولیدی ایران در شرایط مساعدی قرار ندارند و بدیهی است سرمایه‌گذارانی که به دنبال فضای امن و پرسود برای سرمایه‌گذاری می‌گردند، با مشاهده مشکلات موجود، فضا را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و مولد مناسب ندانسته و سرمایه‌های خود را به بخش‌های پرسود و اغلب نامولد انتقال می‌دهند. برای برون‌رفت از این شرایط، رویکرد اصلی سیاست‌گذار باید در درجه اول اصلاح ساختار نهادی ضدتولیدی اقتصاد ایران باشد. اصلاح ساختار نهادی باید به‌گونه‌ای باشد که با بالابردن هزینه فعالیت‌های غیرمولد، راه را برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول و بی‌زحمت ناشی از فعالیت‌های سودآورانه، رانت‌جویانه و فسادآلود مسدود کند. تجربه کشور گویای آن است که همواره دولت‌ها در ایران با تزریق نقدینگی بالاخص در زمان وفور درآمدهای نفتی سعی در افزایش بنیه تولیدی و اشتغال‌زایی داشته‌اند که این امر نته‌ها تأثیر ملموس بر سطح اشتغال و تولید نداشته، بلکه ضمن افزایش حجم نقدینگی، صرف واسطه‌گری شده و به بخش‌های غیرمولد راه یافته است.

بنابراین تا زمانی که از یک‌سو «اخلاق تولید» در جان و نهاد تولیدگران ما قرار نگیرد و از سوی دیگر ساختار نهادهی ضدتولیدی کشور اصلاح نشود، نمی‌توان توقع توسعه اقتصادی را داشت. توسعه اقتصادی امری نیست که در دیوار بن بست تولید اتفاق بیفتد.

اقتصاد

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «شرق»: دولت صادقانه نرخ ارز را اعلام کند

هزینه شفافیت سنگین است

برخی حاضر نیستند در آمدشان را رونمایی کنند



عکس: امیر جدیدی/شرق

کا طهرانی: به نظر می‌رسد برخی از اقدامات دولت در این لایحه با وجود تطبیق موضوعی با برنامه توسعه نوعی بی‌توجهی به آن هم هست. برای مثال اگرچه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در برنامه ششم آمده است؛ اما در همان برنامه ششم تأکید شده که افزایش قیمت باید نخست به صورت تدریجی اجرا شود، دوم بدون فشار بر معیشت مردم طراحی شده و سوم مزیت نسبی تولید در نظر گرفته شود. کدام یک از این سه هدف در تصمیم به افزایش قیمت‌ها لحاظ شده است؟

انتقاد ما هم به دولت همین است. دولت یکی از دستاوردهای طلایی‌اش را کنترل تورم می‌داند؛ اما با این اعداد و ارقامی که در بودجه آمده، من یقین دارم که ۳۰ درصد تغییرات قیمت را شاهد خواهیم بود و شک نکنید چنین اقدامی تورم را دورقمی خواهد کرد و عدد آن هم بزرگ خواهد بود که به معنی از دست‌رفتن همان دستاورد بزرگ دولت است.

کا طهرانی: تجربیات گذشته در دست‌کاری قیمت‌های کلیدی نشان می‌دهد که با افزایش قیمت نه تنها اهداف اشتغال‌زایی دولت محقق نمی‌شود؛ بلکه به دنبال کاهش رشد اقتصاد، بخشی از اشتغال موجود نیز از دست می‌رود.

نکته جالبی را بگویم. رئیس‌جمهور به‌تازگی جمله‌ای را به طنز بیان کرده است که البته معمولاً قسمتی از طنز همیشه جدی است. ایشان گفته‌اند ما قول می‌دهیم که قیمت حامل‌های انرژی از ۵۰ درصد قیمت جهانی بیشتر نشود. اینکه ما طبق برنامه باید به سمت قیمت‌های جهانی حرکت کنیم، از نظر برنامه‌ای و موضوعی حرف و هدف درست است؛ اما ما تجربه‌ای در دوره آقای احمدی‌نژاد در این باره داشته‌ایم. سال ۹۰ که قیمت سوخت افزایش پیدا کرد، ما تقریباً به ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت‌های جهانی رسیده بودیم و تصور این بود که یک قدم دیگر برداریم، به قیمت‌های جهانی خواهیم رسید که کار بزرگی است. از این نظر که قاچاق سوخت کم خواهد شد و مصرف مدیریت می‌شود و مابه‌التفاوت هم بیاوریم که البته ناکفته‌نماند که آن مابه‌التفاوت به آنجایی که قرار بود برود، نرفت و خست کجش هم در دولت احمدی‌نژاد گذاشته شد.

هدف رسیدن به قیمت جهانی بود و درست هم بود؛ اما غفلت بزرگی از سوی دولت آن زمان صورت گرفت. آن شوک قیمتی که داده شد و آثار تورمی شدیدی هم داشت و نرخ تورم به ۳۰ تا ۴۰ درصد هم رسید، چه اتفاقی افتاد؟ برابری ارزش پول ما و ارزهای خارجی یکی از مؤلفه‌های مهم توانمندی اقتصادی ماست و باید ببینیم چه اتفاقی برای قدرت خرید مردم می‌افتد؟ متوسّص تورم در ایران را در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد اگر ۲۰ درصد در نظر بگیریم که یقیناً بیشتر است و تورم در طرف دیگر سه تا چهار درصد باشد؛ می‌توان گفت که سالانه همین‌قدر بر قدرت خرید ایرانیان تأثیر می‌گذارد. می‌خواهم بگویم غفلتی که در دوران احمدی‌نژاد انجام شد، این بود که به کنترل تورم توجهی نشد و به علت تفاوت نرخ تورم در داخل و خارج و همچنین سیاست سرکوب ارزی که از سال ۸۰ تا ۹۰ اجرا شد، این فنر یکباره در سال ۹۰ آزاد شد و قیمت دلار به سه هزار تومان رسید؛ یعنی عملاً از آن هدفی که دنبال شده بود و تصور می‌کردیم یک قدم دیگر تا قیمت‌های جهانی فاصله داریم، دور شدیم؛ یعنی اگر قبل از آن ما به ۷۰ درصد قیمت جهانی بنزین رسیده بودیم، با جهش قیمتی دلار، دوباره قیمت بنزین به همان ۳۰ درصد قیمت جهانی سقوط کرد. این تله همین امروز برای دولت روحانی نیز وجود دارد.

ساختار بودجه‌ریزی در کشور ما به‌ویژه در یکی، دو دهه اخیر تغییرات چندانی نداشته است و به‌دلیل شرایط کشور نمی‌توانیم تغییرات تحولاتی با عجیب‌وغریبی را

کا طهرانی: دولت در تبلیغاتی که پیش از ارائه لایحه بودجه انجام داد، آن را بودجه‌ای خاص و عملیاتی دانسته و سطح انتظارات را بالا برده بود، اما بعد از ارائه لایحه حلاظه شد که آن تغییرات ساختاری وعده داده‌شده، فقط نمایشی از وعده‌ها بوده و همین امر سبب نقدهای فراوان به نوشته دولت شد. به نظر شما لایحه مالی سال آینده استحقاق آن حجم از تبلیغات را داشت؟

ساختار بودجه‌ریزی در کشور ما به‌ویژه در یکی، دو دهه اخیر تغییرات چندانی نداشته است و به‌دلیل شرایط کشور نمی‌توانیم تغییرات تحولاتی با عجیب‌وغریبی را

در بودجه ببینیم. بودجه برنامه‌ای یک ساله است که برپایه شاخص‌ها و اسناد بالادستی تعریف می‌شود. بنابراین اگر ما بخواهیم از بودجه انتظار خاصی داشته باشیم ابتدا باید ساختار اقتصادی‌مان را تحلیل کنیم و سپس نگاهی به اسناد بالادستی مانند برنامه ششم توسعه بیندازیم. در برنامه توسعه ششم روال برپایه شاخص‌های خاصی گرفت اما آن

انتظاری که برای تدوین مؤلفه‌های ویژه وجود داشت به‌علت مشارکت‌نداشتن جدی دولت در تدوین برنامه برآورده نشد و در نتیجه برنامه توسعه به‌صورت یک برنامه عادی بسته شد. ساختار اقتصادی ما هم مشخص است. هم منابع و هم مصارفمان معلوم است و به‌همین دلیل نمی‌توان انتظار چندانی برای اتفاقی خاص در این حوزه داشت مگر اینکه رویکرد جسورانه‌ای شکل بگیرد که ادبیات تازه‌ای برگزیند و ساختار را تغییر بدهد که چنین اتفاقی هم نیفتاده است و بودجه با تغییراتی جزئی نسبت به سال گذشته به مجلس ارائه شده است.

درآمدهای دولت همچنان بر پایه درآمدهای مالیاتی، نفتی، عوارض و استعراض تعریف شده است. اگر به بودجه سال‌های گذشته هم نگاه کنید، می‌بینید که در مواقعی اعداد این سرفصل‌ها بالا و پایین شده؛ اما تغییری در سرفصل‌ها اتفاق نیفتاده است. در مصارف هم دو سرفصل بزرگ هزینه‌های جاری و تملک دارایی وجود دارد که تقریباً مثل گذشته است. البته نمی‌توان گفت که هیچ اتفاقی هم نیفتاده است. برای مثال حذف یارانه نقدی برخی دهک‌ها در بحث هدفمندی را می‌توان یک اقدام جسورانه دولت نامید؛ هرچند که در قسمت مصارف آن با دولت اختلاف نظر داریم و آن را پذیرفتنی نمی‌دانیم و قبول هم نداریم. به طور کلی این لایحه بودجه کاملاً سیاه یا سفید نیست؛ اما به اعتقاد من نقاط ضعف آن به نقاط قوتش می‌چربد.

هم نیست که دانمارکی‌ها نماز شب‌خوان باشند، پس چطور به این موفقیت رسیده‌اند؟ آنها همه سامانه‌ها، کارها و فعالیت‌هایشان را شفاف کرده‌اند. این همان اتاق شیشه‌ای است که رئیس‌جمهور هم گفتند؛ یعنی فضای اقتصاد را آن‌چنان شفاف کنیم که اصلاً امکان بروز تخلف نباشد؛ نه اینکه کسی تخلف کند و بعد بیاییم بازداشتش کنیم. پس باید نظارت‌ها شفاف و آنلاین شود. شما امروز می‌بینید در نظام بانکی چه مشکلاتی از قبیل مؤسسات مالی غیرمجاز و تخلفات بانکی مختلف داریم. اطلاعات نظام بانکی ما هنوز برای خود بانک مرکزی شفاف نیست. تنها راه‌حلی که وجود دارد، این است که صفر تا صد اقتصاد کشور را شفاف کنیم؛ فقط هم نظام بانکداری نیست، نهادهای عمومی غیردولتی را مثال می‌زنم. دو، سه سال است ما یک قانون شفافیت نوشته‌ایم که نهادهای عمومی غیردولتی ملزم هستند صورت‌های مالی خود را افشا کنند؛ از صندوق‌های بازنشستگی تا خیریه‌ها و ...

امروز در کشور هفت هزار خیریه داریم که قریب به اتفاق آنها در برابر افشای صورت‌های مالی خود مقاومت می‌کنند.

کا مساعد: محلی هم برای پول‌شویی هستند؟

حالا نمی‌خواهم با این صراحت بگویم. می‌گویم می‌توانند زمینه را برای پول‌شویی فراهم کنند. در شرایطی که چند هزار خیریه حاضر نیستند یک صفحه صورت مالی منتشر کنند، چطور می‌توانیم بفهمیم چه می‌گذرد. ما شرکت‌های وابسته به صندوق‌ها را داریم که هیچ اطلاعی از اینکه در آنها چه می‌گذرد نداریم. شرکت‌های متعدد وابسته به شهرداری‌ها را داریم که همین وضعیت را دارند. به‌تازگی از وزیر کشور خواستیم بیاید و درباره وضعیت شهرداری‌ها توضیح بدهد. پس هزاران شرکت و مؤسسه این‌چنینی در حال فعالیت هستند که وضعیت مالی شفافیتی ندارند. من مدت‌ها برای این قانون زحمت کشیدم و در نهایت نیز با همت نمایندگان تصویب شد که همه نهادهای عمومی و انقلابی مکلف هستند صورت مالی بنگاه‌هایشان را نزد سازمان بورس در سامانه کدال افشا کنند. خب حالا رفته‌ایم بگیری کرده‌ایم، از رئیس سازمان بورس پرسیده‌ایم چند تا از اینها آمدند و این کار را کردند؟

ادامه در صفحه ۹

نگاه

هوشیاری اقتصادی!

جهان پس از ۲۰۳۰

غلامحسین دوانی
عضو شورای عالی انجمن
حسابداران خبره ایران

● سرعت رشد سرمایه‌داری جهانی و نقش بازارهای نوظهور، اقتصاد جهان را متلاطم و نقشه راه و کره خاکی را متناقض و متجانس کرده است.

آخرین تحقیقات اقتصادی مؤسسه حسابرسی PWC (Price Water house Coopers) در مورد پیش‌بینی اقتصاد جهان از سال‌های ۲۰۳۰ تا ۲۰۶۰ (۱۷۰ تریلیون دلار) به‌تنهایی بیش از حجم تولید ناخالص داخلی ۱۶۲ کشور جهان در سال ۲۰۱۷ (۹۵ تریلیون دلار) خواهد شد. بنابراین ترس و واهمه آمریکا از نقش چین در شرایط فعلی و آینده، قابل تأمل و تعمق می‌شود! اندونزی به چهارمین قدرت اقتصادی جهان (۲۶/۱ تریلیون دلار) و روسیه به پنجمین جایگاه جهان (۱۴/۴ تریلیون دلار) دست خواهند یافت. تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی با ۶/۷ تریلیون دلار به جایگاه سیزدهم جهان و ایران با داشتن ۶/۱ تریلیون دلار به جایگاه ۱۵ جهان (قبل از کره جنوبی و کانادا) خواهد آمد. البته نباید فراموش کرد که این برآورد و پیش‌بینی‌ها با فرض تداوم رشد اقتصادی و در شرایط صلح جهانی صورت گرفته بنابراین به ورطه جنگ و درگیری و هرگونه ماجراجویی که ظرفیت اقتصادی کشور را به سراشی سوق خواهد داد، اجتناب و کوشش کنند هزینه‌های رفاه اجتماعی را که موجب بهبود کارایی کار و نشاط جامعه کار و تولید می‌شود، به بهای نابرابری بی‌سامان اقتصادی و پرکردن جیب رانت‌خواران دلال و طفیلی، ویران‌سازی نیروی انسانی انجام ندهند و از به‌کاربردن تئوری‌های ویرانگر کسانی که خود رانت‌بگیر دولت بوده و هستند (خانه و آپارتمان‌های سهمیه‌ای و ...) برحذر باشند.

طرح تسهیلاتی همپا

ویژه دارندگان پایانه‌های فروشگاهی

با نرخ سود ۸ الی ۱۸ درصد

همیار مشتریان پایانه‌های فروشگاهی



بانک قوامین
GHAVAMIN BANK

www.ghbi.ir

این حرف به میزانی است و چقدر قدرت تأثیرگذاری